

# جسٹیشن دانٹس جو بی بی

می  
از آغاز تا انقلاب اسلامی



عماد الدین بیانی





Reza.Golshahan.com  
www.KetabFarsi.com

جنبش دانشجویی ایران  
(جلد اول)

□ عمادالدین باقی

● طرح جلد: کورش قاضی مراد

● چاپ اول: بهار ۱۳۷۹

● تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

● چاپ و صحافی: اطلس

● شابک: ۹۶۳-۵۹۲۵-۰۲-۷

● آدرس: خیابان انقلاب - خیابان وصال - کوچه شفیعی، پلاک ۲۲ طبقه اول

● تلفن: ۶۴۹۹۷۲۲-۲

○ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

باقی، عمادالدین، ۱۳۳۵ -

درآمدی بر جنبش دانشجویی (از آغاز تا انقلاب

اسلامی) / عمادالدین باقی. - تهران: جامعه

ایرانیان ۱۳۷۸.

دوازده، ۳۴۲ص.

ISBN 964-5925-03-7: ۱۵۰۰ تومان:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. جنبشهای دانشجویی -- ایران -- تبریز --

۱۳۲۰ - ۱۳۵۷. ۲. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ -

۱۳۵۷ -- جنبشها و قیامها. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

DSR1535/ج۹ب۲

۷۸-۱۷۳۳۲م

کتابخانه ملی ایران

# جنبش دانشجویی ایران

(از آغاز تا انقلاب اسلامی)

جلد اول

عمادالدین باقی



ایران امروز - ۱۱



# فهرست

۱۱	مقدمه
<b>بخش نخست: جنبش دانشجویی ایران در دهه ۲۰</b>	
۲۵	درآمد
۲۷	گروه ۵۳ نفر
۲۷	فرقه دمکرات آذربایجان
۲۸	از تشکیل حکومت فرقه دمکرات آذربایجان تا سقوط آن
۲۹	تقویم وقایع مهم سیاسی ایران در دهه ۱۳۲۰
۳۲	شکل‌گیری نهضت ملی ایران
۳۳	نقش و حضور دانشگاه تبریز در نهضت ملی نفت
۳۶	
<b>بخش دوم: جنبش دانشجویی ایران در دهه ۳۰</b>	
۳۷	درآمد
۳۹	جنبش ملی نفت، فرصت‌اعلام موجودیت نیروهای مذهبی در دانشگاه
۴۰	مصدق، از دولت تا عزلت
۴۱	

۴۷	.....	دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد
۴۹	.....	اثرات منفی ناکامی نهضت ملی ایران
۵۱	.....	رواج بی‌بندوباری در دانشگاه، پس از کودتای ۲۸ مرداد
۵۵	.....	جبهه ملی، عرصه کنش‌های سیاسی دهه سی برای نیروهای ملی و مذهبی
۵۶	.....	سازماندهی تشکیلات دانشجویی
۵۷	.....	تظاهرات تیرماه و حاصل فعالیت‌های انتخاباتی
۵۸	.....	تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۳۹ دانشگاه تهران
۵۹	.....	تحصن دانشگاه تهران در دیماه ۱۳۳۹
۶۰	.....	مسجد هدایت دالان دانشگاه
۶۲	.....	جلوه‌های ارتقای گرایش‌ات مذهبی در دانشگاه
۶۳	.....	در فضای بسته، کارهای کوچک ولی اثرگذار
		موضع انفعالی روحانیت و باز کردن پای آن به دانشگاه
۶۴	.....	توسط دانشجویان مسلمان
۶۵	.....	دستاوردهای فزاینده فعالیت‌های جمعی و مطالعاتی
۶۶	.....	کنگره انجمن‌های اسلامی
۶۷	.....	کلاس‌های انجمن اسلامی دانشجویان (سال ۱۳۳۹)
۷۱	.....	<b>بخش سوم: جنبش دانشجویی ایران در دهه ۴۰</b>
۷۳	.....	موج‌های تازه با آغاز دهه ۴۰
۷۴	.....	انجمن اسلامی دانشجویان و چهلم درگذشت آیت‌الله بروجردی
۷۹	.....	تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۴۰ دانشگاه تهران
۸۱	.....	اختلاف دیدگاه در مورد تظاهرات اول بهمن
۸۱	.....	یورش پلیس به دانشگاه تهران (۱ بهمن ۱۳۴۰)
۸۳	.....	جنبش دانشجویی در سال ۱۳۴۰
۸۵	.....	استفاده از فرصت قیام سال ۴۱ در دانشگاه
۸۶	.....	از انقلاب سفید شاه تا قیام پانزده خرداد ۴۲
		نقش انجمن اسلامی دانشجویان در اصلاح موضع نهضت
۹۰	.....	آزادی در قبال حرکت روحانیت
		شکستن جو سیاست‌گریزی و ارتباط انفرادی دانشجویان
۹۲	.....	با روحانیت انقلابی و هیئت‌های مذهبی



- قیام علیه کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی ..... ۹۵
- پس از تبعید امام خمینی و آغاز جنبش مسلحانه در ایران ..... ۹۶
- جنبش دانشجویی در سال‌های ۴۷ - ۴۴ ..... ۹۸
- تشکل‌ها و هیئت‌های موجود در سطح شهر تبریز ..... ۹۸
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۴۸ ..... ۱۰۲
- تقویم مهمترین وقایع سیاسی و دانشجویی سال ۱۳۴۸ ..... ۱۰۲
- اجتناب ناپذیر بودن تشکل و نخستین تشکل مذهبی در دانشگاه ..... ۱۰۴
- چگونگی شکل‌گیری هسته‌های فعال مذهبی - سیاسی  
در دانشگاه تبریز ..... ۱۰۶
- غربت حجاب در دانشگاه ..... ۱۰۷
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۴۹ ..... ۱۰۹
- تقویم مهمترین حوادث سیاسی و دانشجویی سال ۴۹ ..... ۱۰۹
- انعکاس جنگ اعراب و اسرائیل و تأثیر آن در ایران ..... ۱۱۳
- تأثیر جو خفقان در نحوه ارتباط‌گیری دانشجویان ..... ۱۱۴
- انگیزه و انگیزه تظاهرات صنفی در دانشگاه ..... ۱۱۴
- مقاومت دانشجویان در برابر تلاش ترویج ابتذال ..... ۱۱۶
- تشکیل گروه‌های دوستی در قالب خدمات اجتماعی ..... ۱۱۷
- تأسیس خوابگاه ولیعهد در تبریز، پایگاه آینده نیروهای مذهبی ..... ۱۱۸
- بخش چهارم: جنبش دانشجویی ایران در دهه ۵۰** ..... ۱۱۹
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۰ ..... ۱۲۱
- تقویم مهمترین حوادث سیاسی و دانشجویی سال ۵۰ ..... ۱۲۱
- نقطه عطف ..... ۱۲۴
- دیدگاه خانواده‌های مذهبی نسبت به دانشگاه ..... ۱۲۶
- ورود و استقرار پلیس در دانشگاه ..... ۱۲۸
- جاذبه‌های جنبش مسلحانه ..... ۱۲۹
- خروج مذهبی‌ها از موضع انفعال در برابر جبهه چپ و نقش شریعتی ..... ۱۲۹
- موج جدید اسلام انقلابی در برابر جبهه نیروهای مسلمان غیرسیاسی ..... ۱۳۴
- موقعیت نیروهای مذهبی و غیرمذهبی در دانشگاه

- و نقش متفکران دینی مانند شریعتی و مطهری ..... ۱۳۵
- زمینه‌های رشد فعالیت نیروهای مبارز مسلمان ..... ۱۳۶
- تأثیرات شریعتی ..... ۱۳۷
- زمینه‌های فعالیت دانشجویان مسلمان ..... ۱۳۷
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۱** ..... ۱۴۳
- تقویم حوادث مهم سیاسی و دانشجویی سال ۱۳۵۱ ..... ۱۴۳
- حساسیت کارگزاران رژیم روی دانشکده فنی ..... ۱۴۸
- ماجرای ۱۶ آذر و عقب‌نشینی تاکتیکی پلیس شاه ..... ۱۴۹
- تلاش دانشجویان مسلمان دانشگاه تبریز در برقراری  
ارتباط با روحانیت پیرو خط امام خمینی ..... ۱۵۱
- حضور در هیئت‌های مذهبی خانگی، هسته‌های مبارزه ..... ۱۵۴
- جو ناسالم اخلاقی دانشگاه و مبارزه دانشجویان ..... ۱۵۵
- الگوسازی‌های جریان انقلابی و ضدانقلابی ..... ۱۵۵
- سرکوب اعتراض دانشجویان در پنجم اسفند ۵۱ ..... ۱۵۷
- دانشجویان غیرمذهبی هم‌دربرابرابتدال فرهنگی مقاومت می‌کنند ..... ۱۵۸
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۲** ..... ۱۶۳
- حوادث مهم سیاسی و دانشجویی در سال ۱۳۵۲ ..... ۱۶۳
- روش‌های جذب و حفظ نیرو و انسجام گروهی و خودسازی ..... ۱۶۸
- حرکت‌های صنفی، تمرینی برای تظاهرات سیاسی ..... ۱۷۰
- اعتراض به شهریه ثبت‌نام ..... ۱۷۱
- اعتراض به عدم تعهد خوابگاه از طرف دانشگاه ..... ۱۷۲
- اعتراض به کیفیت غذای سلف سرویس ..... ۱۷۳
- بهربرداری دوگانه از ورزش برای مقاصد سیاسی و تمرین اتحاد ..... ۱۷۴
- ... و اکنون مهیای برپایی تظاهرات ۱۶ آذر و نبرد با پلیس ..... ۱۷۶
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۳** ..... ۱۸۴
- تقویم حوادث مهم سیاسی و دانشجویی در سال ۱۳۵۳ ..... ۱۸۴
- جو کلی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۳ ..... ۱۸۶
- ترفندهای رژیم برای شناسایی مبارزین و برخورد با آن‌ها ..... ۱۸۷
- رایگان شدن تحصیلات، ورود نیروی مردمی جدید و ... ..... ۱۸۷

- حل مناقشه و تعارض در انتخاب خط مشی در برابر نیروهای موجود ۱۸۸
- ادامه مبارزه و آغاز کار مطالعاتی ..... ۱۸۹
- انجمن مددکاری و فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان پوششی
- برای فعالیت‌های سیاسی ..... ۱۹۲
- بزرگداشت مرگ راننده خوابگاه دانشگاه، ..... ۱۹۵
- تظاهرات ۱۵ خرداد ۵۳ توسط دانشجویان مسلمان ..... ۱۹۶
- صنفی شدن حرکت‌هایی مانند ۱۶ آذر، محور ائتلاف
- نیروهای مخالف رژیم شاه ..... ۱۹۹
- برنامه‌ریزی برای ورود شعار «شهادت» و «امام خمینی» ..... ۲۰۰
- تداوم و تکرار تظاهرات پراکنده ۱۶ آذر ۵۳ ابتکار مؤثر دانشجویان ۲۰۵
- تشکیل حزب رستاخیز و ثبت نام در دانشگاه‌ها ..... ۲۰۷
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۴ ..... ۲۰۹
- تقویم حوادث مهم سیاسی و دانشجویی در سال ۱۳۵۴ ..... ۲۰۹
- برنامه کوهنوردی و برپایی نمازجماعت در کوه و اعتراض چپی‌ها به آن ۲۲۰
- عظیم‌ترین شورش دانشجویی در خرداد ۱۳۵۴ ..... ۲۳۳
- اقدام گروه ضربت در سرکوب عوامل دانشجویی فاسد که موجب
- بدنامی دانشگاه بودند ..... ۲۳۳
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۵ ..... ۲۴۲
- تقویم حوادث مهم سیاسی سال ۱۳۵۵ ..... ۲۴۲
- میراث سال ۵۴ و تداوم برخورد با هرزگی در محیط دانشگاه ..... ۲۴۸
- چالش ایدئولوژیک در برابر مارکسیست‌ها، مسأله مبرم سال ۱۳۵۵ ..... ۲۴۹
- هدف‌گیری جوانان خام و گریز مارکسیست‌ها از مواجهه با
- دانشجویان آگاه ..... ۲۵۰
- خیزش دیگری در سالروز ۱۵ خرداد در دانشگاه ..... ۲۵۴
- اقدام دانشجویان برای بازگرداندن دانشجویان اخراجی ..... ۲۶۰
- شگردهای ساواک ..... ۲۶۲
- جلوگیری دانشجویان از سوءاستفاده ساواک ..... ۲۶۵
- تلاش‌های سلبی و ایجابی گروه هنری دانشجویان ..... ۲۶۵
- جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۶ ..... ۲۶۹

۲۶۹	تفویم حوادث مهم سیاسی و دانشجویی در سال ۱۳۵۶
۲۷۷	درآمد: دوران رکود جنیش مردم ایران
۲۸۰	زمینه‌های تغییرات سیاسی و آغاز انقلاب در ۱۳۵۶
۲۸۰	تعدیل جو سیاسی و در پیاده‌های اطمینان
۲۸۴	پس از روی کار آمدن کارتر و فضای باز
۲۸۶	حمله دانشجویان تبریز به اقامتگاه امریکایی‌ها
۲۸۷	حرکت‌های جمعی از سال ۱۳۵۵ تا بهار ۱۳۵۶
۲۸۸	شاه و فرح در دانشگاه تبریز
۲۸۸	شب‌های شعر و سخنرانی کانون نویسندگان
۲۹۵	تظاهراتی در بزرگداشت درگذشت حاج مصطفی خمینی
۳۰۰	تظاهرات و اعتراض نسبت به کشتار ۱۹ دی
۳۰۵	دستگیری‌ها و حوادث بعد از ۲۹ بهمن تبریز
۳۰۸	جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۷
۳۰۸	تفویم مهمترین حوادث سیاسی و دانشجویی سال ۱۳۵۷
۳۳۰	طرح میکادو برای استراق سمع اقامتگاه دانشجویان
۳۳۰	ضد حمله رژیم و میتینگ حزب رستاخیز
۳۳۱	تفویم تاریخ انقلاب اسلامی
۳۳۳	قیام دانشجویی ۱۸ اردیبهشت ۵۷ در تبریز
۳۳۴	شورش خونین ۱۸ اردیبهشت در دانشگاه
۳۴۲	بازتاب ۱۷ شهریور خونین تهران در زندان و روش‌های
۳۴۲	خبرگیری زندانیان در تبریز
۳۴۵	محرم ماه سرنوشت
۳۴۶	متمایز شدن خطوط بین دانشجویان، پیروزی انقلاب و
۳۴۶	تشکیل کانون فرهنگی به دست دانشجویان مسلمان

## مقدمه

می‌گویند تاریخ معلم پیری است که هر کس در محضرش زانوی ادب بزند بدون توشه برنخیزد.

تاریخ سرچشمه بسیاری از معارف انسانی است و غنی‌ترین آگاهیها در باره علوم اجتماعی و به ویژه ایدئولوژی‌ها از تاریخ برمی‌خیزد. گرچه عادت بر این است که تاریخ را در مقیاس کلان بیشتر ارزش می‌نهند اما تاریخ در مقیاس‌های محدودتر ملی، منطقه‌ای؛ شهری و حتی محلی ارزشی کمتر ندارد و هر قطعه‌ای از تاریخ به تعبیر مولانا مانند قطعه‌های همان آئینه حقیقت است.

تاریخ جنبش دانشجویی ایران در مقیاس هر یک از دانشگاه‌ها تبریز نیز قطعه‌ای هرچند کوچک از حقیقت بزرگی است که بدون آن، ماهیت واقعیت را نمی‌توان شناخت.

## ژرفنگری در مقوله اجتماعی و تاریخ:

در تاریخ و جامعه‌شناسی با نارساییهای عمده‌ای رو به رو هستیم. هنگامی که حوادث روی می‌دهند، تبدیل به موضوع تاریخ می‌شوند، اما مسایل مهمی در آن مسکوت می‌مانند و در بوته غفلت قرار می‌گیرند؛ نظیر اینکه، مشخص نمی‌گردد، حادثه به عنوان یک کل یا پدیده پیش از آنکه خصالت جمعی بیاید و پیش از آنکه پدید آید، چگونه تکوین یافته است افراد یا ذرات تشکیل دهنده آن، «که» و «چه» بوده‌اند چگونه ارتباط یافتند، بهم پیوستند و بر هم تأثیر گذاردند چگونه نطقه‌ها منعقد شده و چه فرایند تکاملی را طی کرده‌اند تا سرانجام به پیکره یا حادثه‌ای مبدل گردیده‌اند که موضوع تاریخ شده‌اند؟ اینها اموری است که اصحاب تاریخ علاقه و حوصله‌ای برای فرو رفتن در دقایق و ژرفای جزئیاتش را ندارند و میل به کلان‌نگری و جاذبه‌هایش بر آنان چیره می‌گردد. این در حالی است که کالبدشکافی یک واقعه و تشریح آن، رسوخ به ژرفای واقعه و حتی رسوخ به لحظات و شرایط پیش از پیدایش افراد و ذرات تشکیل دهنده حادثه و مشاهده آنها از تولد تا ترکیب و تکوین و منجر شدن به یک حادثه است که بینش می‌بخشد و یک واقعه را، به واقع، مورد شناسایی قرار می‌دهد. علم تاریخ در مطالعه حوادث و جوامع باید همان‌کند که فیزیولوژی در مورد انسان می‌کند. از همین رو، تاریخ نمی‌تواند بی‌نیاز یا مستقل از جامعه‌شناسی باشد؛ چه، با مجهز شدن به نظریه‌ها و بینش جامعه‌شناختی است که می‌توان مناسبات اجتماعی و بین فردی را شناخت و به کنه آن فرو رفت و تحلیل کرد و آن را قاعده مند ساخت از سوی دیگر، واحد مطالعه جامعه‌شناسی، جامعه است نه فرد. افراد پیش از آنکه تبدیل به جامعه شوند موضوع این علم قرار نمی‌گیرند و جامعه‌شناسی مطالعه فرد را به روانشناسی و انباده است. در عین حال جامعه‌شناسی نمی‌تواند شالوده‌های رفتار جمعی، حرکت جمعی و پدیده جمعی را از حیطة نگاه خویش خارج کند. کتابی که اکنون پیش روی خود دارید، نمونه‌ای است از شالوده‌های یک پدیده اجتماعی با عنوان «جنبش دانشجویی». همانند پیگیری مسیر گردهمایی که به وسیله باد بر

گیاهی می‌نشینند و دانه‌ای را خلق می‌کنند (دانه‌ای که به وسیله هزاران رگ و ریشه مرئی و نامرئی در تنه و ساقه گیاه که تا اعماق خاک رفته و مواد مورد نیاز آن را جذب و در کارخانه خود تبدیل می‌سازد) تا سرانجام آن دانه در فرایندی از تغییرات فیزیکی و نیز تغییر در طعم و حجم و وزن و رنگ و بو به میوه‌ای رسیده تبدیل شوند، این کتاب نیز، جنبش دانشجویی را بدینسان نظر می‌کند این کتاب برای آن دسته از رهیافت‌های جامعه‌شناختی که فرد و آگاهی فردی و عوامل بیرونی و قصد مندی انسان را در مطالعه اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند ممکن است دستمایه و منبع شایان توجهی باشد و به استخراج قانونمندی‌ها و قواعد اجتماعی صائب‌تر مدد برساند، که اگر به چشم منبعی برای استخراج فرمول‌های رفتاری و اجتماعی بدان ننگریم آنگاه ارزشی جز یک داستان تاریخی جذاب نخواهد داشت.

روایت‌های این کتاب، تابلویی از یک پاسخ است، پاسخ به اینکه چرا و چگونه یک رفتار جمعی یا پدیده اجتماعی شکل می‌گیرد و به وقوع می‌پیوندد. و بالاخره، این کتاب نظریه‌های تک عاملی را آشکارا بی‌اعتبار می‌سازد و یک نمودار رگرسیونی پیچیده چند متغیری و شبکه‌ای از روابط علت و معلولی را در بروز یک حرکت نمایش می‌دهد و نظریه‌های توطئه را به محک می‌گذارد و بی‌قدر می‌سازد و نظریه‌های نخبه‌گرایی را در حاشیه می‌افکند و...

محتمل است که کثرت عناصر دخیل در یک واقعه، توهم نامیسور بودن مطالعه علمی یک امر اجتماعی و پیش‌بینی آنرا القاء کند اما حقیقت این است که کتاب حاضر این امر مهم را نیز خاطر نشان می‌سازد که عمده عناصر شکل‌گیری یک رویداد، قابل شناسایی هستند و اگر در این خصوص مشکلی هست، ناشی از فقر داده‌هاست و فقر داده‌ها نیز تا حدی ناشی از عدم ورود محققان به دقایق و جزئیات است. در نتیجه قابل شناسایی بودن عناصر و اجزاء حادثه، قابلیت پیش‌بینی هم وجود دارد، اما این کتاب توجه به پیچیدگی امر اجتماعی را هم بدان قابلیت می‌افزاید، بنابراین شناخت امر اجتماعی و پیش‌بینی در مورد آن دو جنبه اساسی دارد: ۱- از پیچیدگی فراوانی نسبت به

سایر پدیده‌های غیر انسانی در علوم طبیعی برخوردارست زیرا انسان موجود دارای اراده و ذی شعور و سیال است ۲- از دقت ریاضی بالایی مانند آنچه در علوم پایه یافت می‌شود برخوردار نیست.

### فقر تاریخ پژوهی در مطالعه انقلاب اسلامی:

در کنار دلایل عدیده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، برخی از دلایل کندی رشد علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسی ۱- فقدان اطلاعات است ۲- جامعه‌شناسی ما در کلیات و تئوری‌ها خلاصه شده است ۳- از مطالعه جامعه ایران نیز بیگانه است. گرچه عدم توجه اصحاب این رشته به بومی‌سازی یا مطالعه در احوالات جامعه خودشان، بارز بوده است اما نمی‌توان ناگفته نهاد که خلاء اطلاعاتی، عامل مهمی در این بی‌توجهی بوده است و نفس وجود اطلاعات انبوه برای مطالعه جامعه‌شناسی اشتیاق آفرین است و البته کوشش در کشف آن نیز باید به همین سان اشتیاق‌آور باشد.

چند سالی بود در این اندیشه بودم و نگران بیراهه‌هایی که برخی دست اندرکاران حوزه‌ها تدوین و تألیف تاریخ انقلاب اسلامی می‌پیمایند تا آنکه در دی‌ماه سال ۱۳۷۵ آقای حمید انصاری سرپرست موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در مورد انتشار ویژه نامه‌ای به مناسبت دهه فجر همان سال مساعدت خواست و در خصوص اصل انتشار ویژه‌نامه مشورتی کرد. پاسخ من این بود که اگر صرفاً از جنبه تبلیغاتی بدان بنگریم، نشر آن ضرورتی ندارد زیرا هر کلمه‌ای از یک نشریه هزینه‌ای را برای جامعه دارد که اگر آنرا در تعداد کلمات نشریه ضرب کنیم، آنگاه درمی‌یابیم که سرمایه عظیمی از ملت را تباه ساخته‌ایم مگر آنکه بتوانیم برگنجینه معارف انقلاب سخنی بیفزائیم و آگاهی تازه‌ای به ارمغان آوریم. با نهایت تأسف طی سالهای پس از انقلاب، سیستم طبع در کشور به ندرت در پی تولید آگاهی تازه‌ای در خصوص تاریخ انقلاب اسلامی بوده است. مطبوعات رسمی کشور هر سال با مراجعه به آرشیو سالهای پیش دست به مونتاز اطلاعات می‌زنند و اگر پژوهشگری عزم کند مطبوعات هجده سال پیش



را منبع مطالعه و شناخت. در باره انقلاب اسلامی قرار دهد با حجم عظیمی از داده‌های تکراری مواجه می‌شود که گویی سالهاست دور خود چرخیده و راهی را نپیموده‌اند و گویی که انقلاب کبیر ایران، سخنی برای گفتن نداشته است. یکی از ریشه‌های این مشکل در منحصر کردن تاریخ انقلاب اسلامی و بلکه تاریخ ایران به تهران است. هر سال در یادمان انقلاب اسلامی چنان سخن می‌رود که گویی انقلاب فقط در تهران روی داده است حال آنکه هر شهری برای خود تاریخی ویژه و منحصر به فرد دارد. چه بسا حوادث و وقایعی در شهرهای مختلف ایران روی داده‌اند که بی‌نظیر بوده و گاهی نیز در مواردی برجسته‌تر از آنچه در تهران روی داده است می‌باشند. انقلاب اسلامی یک انقلاب عظیم ملی و سراسری بود نه تحولی که صرفاً در تهران روی داده باشد، اما کوتاهی در گسترش دادن افق پژوهش به سایر نقاط کشور، این انقلاب بزرگ را از تاریخ و پشتوانه واقعی خویش تهی ساخته است. باید این توجه را به سراسر ایران داشت تا از این پس، تاریخ انقلاب اسلامی شهرستانها یکی از مباحث مهم مطبوعات گردد. هر چند برای انتشار ویژه‌نامه یادشده مجال کمی کمتر از یک ماه بود اما با تشکیل چند گروه در چند استان، به فاصله چند روز گزارش کوتاهی صرفاً به عنوان یک آغاز فراهم و در نشریه‌ای به نام «آن روزهای خدایی» درج شد. هنگامی که همین اندیشه با برخی از متصدیان روزنامه ایران در میان نهاده شد، ایده انتشار ویژه‌نامه دائمی تحت عنوان «ایران تهران نیست» به بار نشست و به زودی جامه عمل پوشید.

### چگونگی پیدایش کتاب حاضر و ویژگی‌های آن:

با چنین اندیشه و سابقه‌ای بود که وقتی پیشنهاد تدوین و نگارش کتاب حاضر مطرح گردید گویی که یکی از آرزوهای دیرین اجابت شده است دوستانی که این کار ارجمند را بانی شدند، هدفشان بزرگداشت شهدای دانشگاه تبریز به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس این دانشگاه بود و این قلم علاوه بر آن هدفی دیگر را نیز تعقیب می‌کرد که چندی بود در رؤیای آن به سر می‌برد. به همین روی این

کتاب نخست اختصاص به دانشگاه تبریز داشت و مواد اولیه و اطلاعات آن عمدتاً محدود به آنجا بود. کتابی با عنوان درآمدی بر جنبش دانشجویی تبریز فراهم آمد که در تیراژ پانصد نسخه بمناسبت سالگرد تأسیس دانشگاه تبریز در پنجم شهریور ماه ۱۳۷۶ در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شده بود توزیع گردید. گرچه شتاب‌زدگی در رساندن کتاب موجب کاهش وقت و بروز اشتباهات چاپی شد. در کتاب جنبش دانشجویی تبریز، بعضاً اخبار و مطالبی درباره سایر دانشگاه‌های کشور نیز آمده بود. این کتاب با همکاری ستاد بزرگداشت شهدای دانشگاه تبریز و دفتر ادبیات انقلاب اسلامی منتشر شد. ایده آل من آن بود که به همان سبک برای هر دانشگاه یک جلد کتاب تاریخ جنبش دانشجویی تقریر شود. این فکر را در تابستان همان سال (۱۳۷۶) با عده‌ای از دوستان در اردوی دانشجویی دفتر تحکیم وحدت در اردوگاه شهید چمران در سعدآباد مطرح کردم و قرار شد از هر دانشگاه گروهی را جهت تحقق آن تعیین کنند و همکاری وسیعی برای اجرای این پروژه عظیم بعمل آمده اما این قرارها قرین واقع نگردید. بدون شک فراهم‌سازی یک دوره چندی تاریخ جنبش دانشجویی که هر جلد به جزئیات حرکت‌ها و فعالیت‌ها در یک دانشگاه بپردازد، منبع غنی برای این موضوع بر جای می‌نهد که برای پژوهشگران تاریخ و جامعه‌شناسی بسی ارجمند بود و کارنامه جامعی را ثبت می‌کرد و الگویی برای تولیدات آینده می‌شد اما این کار نیازمند یافتن و کشف کردن صدها تن از دانشجویان قدیمی هر دانشگاه و ارتباط برقرار کردن، طراحی گفتگو، تنظیم و پالایش داده‌ها، تطبیق و رفع تناقضات و ابهامات ناشی از کثرت راویان و روایت‌ها و... بود. این کار توان، بودجه و نیروی انسانی را می‌طلبد که از عهده من بر نمی‌آید. سرانجام بر آن شدم که آب دریا گر نتوان کشید هم به قدر رفع تشنگی باید چشید. لذا با تغییراتی در متن کتاب جنبش دانشجویی تبریز و افزودن داده‌هایی از سایر دانشگاه‌ها، آن را عام‌تر ساخته و به کتاب جنبش

دانشجویی ایران تبدیل کردم. کتاب قبلی الگوی شایسته‌ای بود برای نگارش کتابهای دیگری در خصوص هر یک از دانشگاههای کشور اما با تغییرات اندکی می‌توانست الگویی برای مطالعه فراگیرتر باشد. از نظر واقعه‌نگاری برای هر یک از دانشگاهها و شهرها می‌توان کتابی ارزشمند را فراهم ساخت اما تدوین اطلاعات گزینش شده همه آنها صرفنظر از اینکه مکان وقوع حوادث تهران، تبریز اصفهان و... باشد بیانگر یک نوع فعالیت و یک الگوی مشخص مبارزات دانشجویی خواهد بود. لذا به داده‌های کتاب حاضر نیز باید منهای مکان وقوع توجه کرد و به آنچه بیانگر تکاپوها و فعالیت‌های دانشجویی است التفات ورزید.

نکته مهم دیگر این است که هر چند در کتاب حاضر گاهی به مناسبت و اقتضای بحث از جریانات چپ مارکسیست سخن رفته است اما این نوشتار در اصل متکفل گزارش توصیفی - تحلیلی از بخش اسلامی جنبش دانشجویی است. نیروهای چپ باید خود به تقریر تاریخ چپ در جنبش دانشجویی پردازند که البته به صورت پراکنده‌ای آن را نوشته‌اند بدون آنکه اهمیتی به جریان اسلامی جنبش دانشجویی بدهند. پرسش دیگری که در ذهن خواننده پدید خواهد آمد این است که چرا علیرغم پراکندگی دانشگاهها در استان‌های و شهرهای مختلف روایت‌ها عمدتاً درباره دانشگاه تهران و تبریز و در درجه بعد پیرامون چند دانشگاه دیگر است؟ در این رابطه چند نکته یادآوری می‌شود:

۱ - دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز قدیمی‌ترین دانشگاهها کشور هستند. اولی در سال ۱۳۱۶ و دومی در سال ۱۳۲۶ تاسیس شده‌اند.

۲ - وسعت این دو دانشگاه از نظر کمی و کیفی و قرار داشتن در دو شهر مهم

کشور

۳ - سنت مبارزاتی این دانشگاهها دیرپا تر از بقیه بوده است و بیشترین تحرک دانشجویی در آنها مشاهده شده است.

۴ - تبریز به دلیل مجاورت استان آذربایجان با اتحاد جماهیر شوروی که یک ابرقدرت کمونیستی جهان بود و طی دو قرن کانون کشمکش و جنگ میان ایران

و روسیه قرار گرفته بود و همچنین به دلیل سابقه آن در نهضت مشروطیت و سپس تشکیل حکومت خودمختار پیشه‌وری، منطقه‌ای سیاسی‌تر از سایر شهرها کشور بود و در دانشگاه تبریز چپ و مارکسیم بیشترین نفوذ را نسبت به سایر دانشگاهها داشت و محیط آن سیاسی‌تر و جدال‌انگیزتر بود و بیشترین تعداد درگیری‌ها با پلیس و رژیم شاه در آنجا مشاهده می‌شود. اساساً پس از قیام نوزدهم، قیام ۲۹ بهمن ۵۶ در تبریز بود که موجب شد سیل انقلاب به حرکت درآید و به انقلاب اسلامی سال ۵۷ منجر شود.

۵- در عین حال به دلایلی که در بند چهارم گفته شد چون جنبش دانشجویی تبریز قابلیت تحقیق مستقلی را داشت متن اولیه این کتاب نیز با عنوان «درآمدی بر جنبش دانشجویی تبریز» تهیه و در شهریور ۱۳۷۶ به صورت محدود چاپ شد و حتی پس از تبدیل آن به جنبش دانشجویی ایران، اثر تبریز را حفظ کرده است.

۶- در خصوص دانشگاه تبریز به همت یک جمع فعال و هزینه یک سازمان خاطرات زیادی فراهم شده بود ولی در مورد سایر دانشگاهها داده‌های موردنیاز موجود یا در دسترس نبود.

اخذ آنچه در سینه و حافظه فعالان جنبش دانشجویی چند دهه گذشته وجود دارد مجال مناسب و امکاناتی می‌طلبید که در بضاعت یک نویسنده نیست و از سوی دیگر الزامات و شتاب‌زدگی‌هایی برای انتشار این کتاب وجود داشت که در نتیجه آن امکان استفاده از خاطرات و اطلاعات بسیاری از افراد (که فراهم‌سازی آن کاری زمان‌بر و هزینه‌بر است) میسر نگردید. بدون شک از این حیث، کاستی‌هایی در تدوین و نگارش این مجموعه خلیده‌اند که امید است در چاپ‌های بعدی مرتفع گردد. تمنای نگارنده نیز بر این است که همه عزیزانی که به نحوی از موضوع بحث این نوشتار آگاهی دارند، نقد و نظر خویش را دریغ نفرمائید. مسلماً نگارنده از هر تکلمه، تصحیح، ردّ ابهام یا دفع سخن سقیمی استقبال می‌نماید و در چاپ پسین کتاب بدان ترتیب اثر خواهد داد.

## سابقه سنت تاریخ شفاهی:

برخلاف پندار پاره‌ای از افراد در تقلیدی بودن سنت تاریخ شفاهی ایران و الگو گرفتن از ماورای بحار و یا الهام از پروژه تاریخ شفاهی هاروارد، واقعیت این است که سنت تاریخ شفاهی، سنتی بومی و درون جوش است و اگر از گذشته ایران درگذریم، دست کم می‌توان گفت سنتی همزاد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است، به گونه‌ای که می‌توان آن را از زمره دستاوردهای فرهنگی انقلاب دانست.

«بنیاد تاریخ اسلامی» و «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» دو موسسه‌ای که کار تدوین و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی را از اوایل انقلاب آغاز کرده‌اند، در حدود سالهای ۶۲ و ۶۳ اقداماتی را برای حفظ خاطرات انجام دادند که بنیاد تاریخ، در فصلنامه «یاد»، قسمت‌های تدوین شده‌ای از آنرا به صورت دنباله‌دار منتشر کرد و در تهیه کتاب «هفت هزار روز» - که حاوی تقویم رویدادهای پیش از انقلاب است نیز از آن بهره‌برداری نمود.

دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آغاز جنگ تحمیلی واحدی را به منظور ثبت وقایع جنگ تاسیس کرد که راقم، خود در جریان این کار، در عملیات فتح‌المبین حضور داشت. علاوه بر این، ثبت خاطرات و وقایع جنگ از سال ۱۳۶۰ در «واحد تبلیغات جبهه و جنگ پاسداران سپاه آغاز شد. نخست با چاپ دفترچه خاطرات در قطع جیبی، بستر این کار فراهم گردید ولی در عمل روش مفیدی شناخته نشد زیرا علی‌رغم توزیع حدود یک میلیون جلد دفترچه در بین رزمندگان، تعداد اندکی به نوشتن خاطرات خویش پرداختند، چرا که اصولاً فرهنگ جامعه ایران حتی اکنون نیز فرهنگ نوشتاری نیست و عمدتاً فرهنگ شنیداری است. از سوی دیگر غالب نوشته‌های افراد با مسائل شخصی آنان در می‌آمیخت لذا از در اختیار قراردادن‌های نوشته‌ها نیز طفره می‌رفتند. سپس روش مصاحبه انتخاب گردید و گروه ثبت خاطرات جنگ با حضور در مناطق مختلف جبهه و مراکز و محافلی که رزمندگان در آن حضور داشتند، در زمان عملیات یا زمان‌های دیگر با گفتگو و ضبط سخنان، خاطرات شفاهی آنها

را در خصوص جنگ ضبط می‌کردند. نوار مصاحبه‌ها پس از شناسنامه نویسی، پیاده و مکتوب شده براساس زمان و موضوع، طبقه‌بندی و تفکیک می‌گردید. در آن زمان حدود ۲۵۰ موضوع کلی به چندین موضوع جزئی تقسیم گردید. بدیهی است که این موضوعات نیز بعدها توسعه یافتند. در مجموع تا پایان سال ۱۳۷۰ حدود ۲۰/۰۰۰ ساعت مصاحبه با افراد بسیجی، سپاهی و بعضاً ارتشی، ۷۵۰ ساعت مصاحبه با اسرای عراقی، ۹۰۰ ساعت مصاحبه با مجاهدین عراقی و آوارگان و پناهندگان عراقی انجام پذیرفت و ۲۵/۰۰۰ دفترچه خاطرات مخصوص خانواده شهیدان و آزادگان که حاوی زندگینامه، خاطرات، دست‌نوشته‌ها عکس و اسناد مربوط به شهدا و آزادگان (پیش از رهایی از اسارت) بود، نیز جمع‌آوری شد. ۳۰۰۰ ساعت مصاحبه نیز با آزادگان که پس از خاتمه جنگ به میهن بازگشتند، انجام شده است از آغاز کار، آقای سیدجواد موسوی، مسئول تبلیغات جبهه و جنگ، در رأس طرح قرارداداشت و آقای سعید فخرزاده (که اکنون جوان پرتلاش حوزوی - دانشگاهی است) از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۷۰ به عنوان مسئول گروه ثبت و ضبط خاطرات بدین کار همت گماشت این گروه با پشتکار کم‌نظیر خود موفق به گردآوری گنجینه بسیار ارزشمند و عظیمی از بزرگترین واقعه قرن بیستم شد که تا سالیان سال پژوهشگران را سیراب خواهد ساخت.

مجموعه فوق، در سال ۱۳۷۰ تحت عنوان «مرکز حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس» به واحد تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی سپاه پاسداران منتقل شد که در جهت رفع نواقص و تدوین به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

تجارب چندین ساله سنت تاریخ شفاهی در دوران جنگ، پس از آن در خدمت تهیه و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی قرار گرفت و آقای فخرزاده با همکاری آقای محمد زین‌العابدینی با بهره‌گیری از تجارب پیشین خود و براساس نیاز مبرم به گردآوری اطلاعات شفاهی و فقدان مرکز فعال و ویژه‌ای در این امر، از سال ۱۳۷۲ در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، فعالیت

گسترده‌ای را در انجام مصاحبه صوتی و تصویری آغاز کردند که با همکاری اعضای گروه ویژه این کار، تاکنون حدود ۲۵۰۰ ساعت مصاحبه انجام داده‌اند و یازده کتاب با استفاده از همین مصاحبه‌ها منتشر و چند کتاب دیگر به اهتمام حوزه هنری سازمان تبلیغات در دست انتشار است. مراکز دیگری نیز مانند بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۳ به بعد و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی از سال ۱۳۶۸ مصاحبه‌هایی برای گردآوری خاطرات انجام داده‌اند. بیان گزارش بالا از این روی ضرور می‌نمود که تقدم فضیلت تلاشگران این راه ارج نهاده شود و سنت تاریخ شفاهی تحفه وارداتی قلمداد نگردد.

کتاب حاضر نیز در دنباله همان تلاش‌ها تحقق یافته است و مرهون همت بلند جوانان و مردانی از نسل انقلاب است که اگر آنان نبودند خلق این گنجینه‌های عظیم هم نبود و کوشش‌های آنان در این راه ستودنی است مدیر پروژه آقای محمدرضا احمدی و همچنین متخصص و مشاور طرح، آقای سعید فخرزاده بودند. ضبط مصاحبه‌های بهره‌برداری شده در این کتاب از اول بهمن ۱۳۷۵ آغاز شد. مصاحبه‌گران عبارت بودند از آقایان: محمد زین‌العابدینی، حمیدرضا قزوینی، محسن کاظمی، محمدرضا جعفریان، علی‌اصغر محمدی، رضا شیخ‌انصاری، گروه پیاده‌کننده نوار خاتم‌ها: زهرا خواجه‌نژاد، حمیده خداجویی، آقای رضا غلامیان بوده و آقای محمدصادق فیض و خانم طاهره ملاجعفری زحمت و پیرایش متن را عهده‌دار شدند. گزیده‌هایی از مجموع این کار در کتاب جنبش دانشجویی تبریز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ولی در کتاب حاضر داده‌های دیگری از سایر منابع شفاهی و مکتوب افزوده شد.

مصاحبه شونده‌گان و یا نویسندگان ارجمند، روایت خویش را چنان‌که بوده و صواب دانسته‌اند گفته‌اند و گزینش مطالب و حفظ سیاق آنها به سلیقه نگارنده بوده است، لذا نگارنده خود را مسئول هر نوع عبارت‌گزینش شده و یا تنظیم و ترکیب مطالب می‌داند و صرفنظر از صحت و سقم روایات که بر عهده‌گویندگان است هر کاستی دیگری بر عهده نگارنده است.

### وجه تسمیه کتاب:

این کتاب، نخستین گام در تحقیق و نگارش تاریخ تحلیلی جنبش دانشجویی می‌تواند به شمار آید. به همین رو تنها آغازی بر یک راه نسبتاً ناپیموده است و پس از سوی دیگر، در جنبش دانشجویی در هر یک از دانشگاهها، افراد و گروههای فراوانی نقش داشته‌اند که در اینجا فقط با کسانی که در دسترس بوده‌اند گفتگو شده است علاوه بر این، راویان این کتاب متعلق به جریان اسلامی جنبش دانشجویی هستند و آنچه در باره نقش دیگران آمده است از زاویه نگاه همین جریان است و سایر جریانات باید خود، وصف حال خویش را بازگویند.

### نحوه تدوین کتاب:

قلمرو زمانی مورد بحث در این کتاب از سال ۱۳۱۶ زمان تاسیس دانشگاه تهران تا سال ۱۳۵۷ آغاز انقلاب اسلامی است. بنابراین کتاب به چهار بخش تقسیم شده است و هر بخش تاریخ یک دهه را در بر می‌گیرد. حرکت‌های دانشجویی در سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ که دوره سلطه مطلقه رضاخان پهلوی است و هیچ جنبه‌ای در فضای سیاسی ایران یارای جنبیدن ندارد مشاهده نشده یا آنکه آگاهی آن به راقم نرسیده است. بنابراین تاریخ جنبش دانشجویی ایران را باید پس از ۱۳۲۰ تعقیب کرد. جنبش دانشجویی گرچه در دهه ۲۰ دوره جنینی خویش را سپری می‌کند و از دهه سی و چهل متولد می‌شود و در دهه پنجاه اوج می‌گیرد اما در فراهم‌سازی آگاهی‌های مورد نیاز برای این نوشتار، تنها معدودی از کسانی که در دهه سی و چهل و پنجاه دانشجوی این دانشگاه بوده‌اند قابل دسترسی بوده‌اند. بنابراین حجم داده‌های مورد نیاز برای دهه ۲۰ و دهه ۳۰ اندک است و برای اواخر دهه چهل کمی افزوده می‌گردد و در دهه پنجاه چشمگیر و قابل توجه است. از این رو عدم توازن شدیدی میان داده‌های چهار دهه وجود دارد. که امید است در چاپ بعدی کتاب مرتفع گردد. از طرفی، چه اطلاعات اندک مربوط به دهه بیست و سی و چه اطلاعات افزونتر دهه چهل و پنجاه دانشگاه به وقایع و مسائلی اشاره دارد که بدون شناخت آنها، حرکت دانشجویی



۱۳۵۷/۱۰/۲۶ انور سادات در مصر، میزبان شاه مخلوع شد.  
رادیو لندن: امروز دانشگاه تهران مرکز تظاهرات چند صد هزار نفری بود که روحانیون نیز در آن حضور داشتند. با مراجعت نظامیان به داخل پادگان‌ها، انتظامات تهران امروز به دست مردم بود.

یک سرهنگ آمریکایی - که مدیر شرکت پارس جردن بود -، در کرمان به هلاکت رسید. این شرکت به عنوان مشاور در مس سرچشمه کرمان مشغول کار است.

یک سرهنگ آمریکایی در خانه‌اش در تهران به قتل رسید.  
۱۳۵۷/۱۰/۲۸ آقای «سید جلال‌الدین تهرانی»، رئیس شورای سلطنت، برای مذاکره با امام خمینی عازم پاریس شد.

۱۳۵۷/۱۱/۱ سید جلال‌الدین تهرانی از ریاست شورای سلطنت، استعفا کرد.  
(علت آن پیش شرط امام خمینی برای مذاکره با وی بود.)

در پی دعوت امام خمینی از نمایندگان مجلس و شورای سلطنت به کناره‌گیری، دوتن از اعضای شورا و ۲۱ نفر نماینده استعفا کردند.  
اعتصاب غذای همافران پایگاه‌های هوایی همدان و دزفول از یک هفته پیش تا کنون همچنان ادامه دارد.

۱۶۲ زندانی سیاسی آزاد شدند.  
نامه‌ای از سوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران خطاب به امام خمینی انتشار یافت.

۱۳۵۷/۱۱/۲ شاه از مصر به مراکش رفت.  
چهارنفر از افسران در کارخانه هلی‌کوپترسازی نیروی هوایی دست به اعتصاب غذا زدند. آن‌ها گفتند از تلاش فرماندهی ارتش برای کودتا پشتیبانی نخواهند کرد.

دفتر امام خمینی اعلام کرد: امام خمینی روز پنجم بهمن از پاریس به مقصد تهران حرکت خواهند کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۴ فرودگاه مهرآباد با استقرار تانک‌ها و زره‌پوش‌های رژیم، اشغال

بنابراین بجز مقدمه کتاب مبحث تاریخچه دانشگاه تبریز، مطالب کتاب به چهار دسته تقسیم می‌شوند. ۱- اطلاعات و بستر تاریخی بحث ۲- خاطرات راویان ۳- گفتارهای توضیحی نگارنده که بسان حلقه‌های اتصال، خاطرات پراکنده را به همدیگر مرتبط می‌سازد و می‌کوشد سیاق واحدی به آنان ببخشد. موارد فوق با استفاده از سه نوع حروف متفاوت در متن مشخص گردیده‌اند. در فصل جنبش دانشجویی در سال ۵۶ که در اثر گسترش انقلاب به همه کشور و پراکنده شده دانشجویان در شهرهای مختلف و یا حضور آنان در میان مردم، دانشگاه و جامعه یکی شده‌اند و از طرفی داده‌های خاص دانشگاه ناکافی بوده‌اند، اخبار و گزارشات رادیویی و مطبوعاتی مربوط به دانشگاه به جای خاطرات نشسته‌اند.

در پایان لازم است از همه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این کتاب نقشی داشته‌اند و همچنین از زحمات برادر فاضل جناب آقای ایرج افشاری که در بازنویسی و ویرایش متن مجدانه یاری کردند بی‌نهایت سپاسگزاری شود.

حمادالدین باقی

**بخش نخست**

**جنبش دانشجویی ایران در دههٔ ۲۰**



## درآمد

چند ماه پس از تأسیس دانشگاه تبریز - خرداد ماه ۱۳۲۵ - بر اثر حوادث آذربایجان این دانشگاه تعطیل شد و در سال ۱۳۲۶ مجدداً دانشگاه تبریز رسماً گشایش یافت. افتتاح دانشگاه تبریز چند سال پس از شهریور ۱۳۲۰ و در شرایط ناشی از اشغال ایران توسط قوای متفقین، تأثیرات مهمی در تعیین فضای سیاسی حاکم بر این دانشگاه - طی سالیان متمادی داشت. دانشگاه تبریز در زمانی افتتاح شد که آذربایجان تحت حکومت کمونیستی فرقه دمکرات آذربایجان قرار داشت و چون هزینه آن توسط دولت مرکزی ایران تأمین می شد، برخی از مورخین، افتتاح دانشگاه تبریز - را در مه ۱۹۴۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ یکی از دستاوردهای دمکرات‌ها دانسته‌اند که تأمین بخشی از هزینه آن در قرارداد ژوئن / خرداد تهران - تبریز لحاظ شده است.

پیدایش فرقه دمکرات آذربایجان نیز خود یک ریشه دانشجویی داشت و به عده‌ای از دانشجویان باز می‌گشت که به گروه ۵۳ نفر معروف شده‌اند.

## گروه ۵۳ نفر

گروه ۵۳ نفر یک محفل مارکسیستی بود که در سال ۱۳۱۴ تشکیل رهبری آن را «تقی ارانی» بر عهده داشت. این‌ها عده‌ای از روشنفکران و تحصیلکردگانی بودند

که اغلب در خارج از ایران با مارکسیسم آشنا شدند. در سال ۱۳۱۶ و ۱۵ دوره رضاخان عده‌ای از این افراد دستگیر شدند و تقی ارانی در ۱۲ بهمن ۱۳۱۸ در زندان اعدام شد.

با ورود متفقین به ایران در جنگ جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰) بازماندگان این گروه از زندان آزاد شدند و هسته اصلی حزب توده ایران را تشکیل دادند. حزب توده گرفتار تبعیت کورکورانه از اتحاد شوروی بود و با استفاده از فضای آزاد پس از شهریور ۲۰ فعالیت‌های خود را در سطح کشور گسترش داد، از جمله در آذربایجان، کردستان و گیلان که به علت هم مرز بودن با شوروی به طور گسترده مورد حمایت قرار می‌گرفت. حزب توده در تبریز کمیته ایالتی داشت و در شهرها و روستاهای آن نفوذ کرده بود. علاوه بر فعالیت حزب توده، در همان آغاز ورود ارتش سرخ به آذربایجان، «انجمن آذربایجان» تشکیل شد که این انجمن با پیشه‌وری که در تهران بود تماس داشت.

### فرقه دمکرات آذربایجان

جعفر پیشه‌وری در آن زمان مدیر روزنامه «آزیر» در تهران بود. یکبار پیشتر نیز در جریان جنگ جهانی اول ارتش سرخ در سال ۱۹۲۱، شمال ایران را اشغال کرده بود و با حمایت آن‌ها در انزلی، حزبی به نام «حزب کمونیست ایران» تشکیل شده بود که مؤسسین آن، پیشه‌وری، حیدر عمواغلو، احسان‌الله خان و... بودند. این عده قبلاً عضو حزب عدالت بودند که مرکز آن در باکو بود.

همین اعضای حزب کمونیست بعدها در سال ۱۳۲۰ جزو تشکیل دهندگان حزب توده شدند. انجمن آذربایجان با پیگیری‌های پیشه‌وری، یک صد تن از رجال سرشناس و قدیمی را هماهنگ کرد و اعلامیه‌هایی را به امضای آن‌ها رسانید و بدین ترتیب فرقه دمکرات آذربایجان اعلام موجودیت کرد و کمیته ایالتی حزب توده در تبریز - که اعضای آن با اعضای فرقه بعضاً مشترک بودند - پس از ۲۰ روز و بدون اجازه حزب توده اعلام انحلال کرد و به فرقه دمکرات پیوست.